سخنگوی اصولگرایان استان در گفتگوی تفصیلی با «توسن»:

در میزان ولایت‌پذیری با اصلاح‌طلبان استان اختلاف داریم

- دولت در استان در برخی موارد خلاف اصول نظام عمل کرده است
- اصولگرایان استان وارد تعیین مصادیق برای انتخابات مجلس نشده‌اند
- بر اساس شعار اعتدال، ۴۵ درصد پست‌های مدیریتی استان سهم اصولگرایان است
- عملکرد برخی از مدیران استان ناقص و ابتدایی است

به گزارش توسن، دکتر دادخدا خدایار، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان از چهره های با سابقه جریان اصولگرایی در استان محسوب می شود. وی چندی قبل با آرای اکثریت نمایندگان احزاب اصولگرا و چهره های تاثیر گذار این جریان به عنوان سخنگو جامعه اصولگرایی سیستان و بلوچستان انتخاب شد. متن ذیل ماحصل گفتگوی تفصیلی هفته نامه توسن با ایشان است.

«توسن»: امسال از جانب رهبر معظم انقلاب به عنوان سال همدلی و همزمانی دولت و ملت نامگذاری شده است. برای تحقق این شعار در استان چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

خدایار: ابتدا لازم است که دولت به این محتوا و معنی باور داشته باشد و مردم نیز باور کنند که همدلی و همزبانی یکی از ضرورتهایی است که نیاز است در این برهه از زمان در خرد و کلان برنامه‌ها و عملکرد نهادهای دولتی و مردمی نصب‌العین قرار گیرد؛ ولی برای تحقق عملی آن ضرورت دارد دولت و دولت‌مردان بستر و مقدمات لازم را فراهم کنند و با نزدیک شدن بیش از پیش به احزاب و تشکل‌های مردمی و بدنه توده مردم، این شعار را جامع عمل بپوشانند.

«توسن»: پس از انتخابات سال ۹۲ به نظر می‌رسد اصولگرایان استان منتقدترین گروه در زمینه برنامه‌های دولت تدبیر و امید در استان هستند؟ شما علت را چه می‌دانید؟

خدایار: اصولگرایان با توجه به مبانی دینی و سیاسی خود، در دولت‌های قبل نیز منتقدهای منصف بوده‌اند و عملکرد و نوع ارتباط آنها حتی با دولت‌های اصولگرا نیز این ادعا را ثابت می‌کند.

هر دولتی از اصلاح طلب، اصولگرا و یا اعتدالگرا به هر اندازه که ضعف بیشتری داشته باشد و نقاط مبهم و غیرشفاف بیشتری در عملکرد آنها باشد؛ قطعاً بیشتر مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

دولت اعتدال هم به دلیل اینکه از بعد سیاسی مرزهای فکری و عملی خود را با گروه‌های افراطی اصلاح طلب و غیره مشخص نکرده و هم از جهت اینکه استراتژی خود را برای مسائل مختلف و مشکلات متنوع این استان به صورت شفاف تعریف نکرده و بعضاً برخلاف مبانی و اصول تعریف شده نظام حرکت کرده است و از طرف دیگر ارتباط نزدیک و صادقانه‌ای با تشکل‌های اصولگرایان نداشته است؛ بیشتر مورد نقد قرار گرفته و خواهد گرفت.

«توسن»: چرا سهمیه اصولگرایان استان در بدنه مدیریتی دولت به نسبت دیگر استان‌ها بسیار ناچیز است؟

خدایار: اولاً مدیران ارشد دولتی دوره قبلی در استان با وجود آنکه خود را اصولگرا می‌دانستند؛ در حد کافی از مدیران اصولگرا استفاده نکردند و بعضی از مدیرانی که به نحوی خود را از جهت سیاسی و کاری هماهنگ با دولت‌های قبلی می‌دانستند از دست‌ها ابقا کردند و ثانیاً معلوم می‌شود که دیدگاه این دولت آن است که صرفاً از مدیرانی که هوادار دولت اعتدال هستند و به تعبیر معروف «تابلودار» باشند؛ استفاده کند و به دنبال چنین مدیرانی است.

ثالثاً در بعضی جاها که مدیران ارشد استان بنا بر توصیه‌های بعضی از دلسوزان و نیز وجود نیروهای مومن و کارآمد بنا داشته تا آنها را ابقا کند و مدیریت آنها را استمرار بخشد؛ عده‌ای از اصلاح طلبان افراطی و تنگ نظر با این تصمیم و رویکرد بشدت مقابله کرده و به مخالفت پرداخته‌اند؛ از این جهت سهم مسئولین اصولگرایان در مدیریت استان به حداقل رسیده و چه بسا در آینده نزدیک به صفر برسد.

«توسن»: دغدغه اجماع بین هر دو جناح کشور یعنی اصولگرایان و جناح اعتدال و اصلاح طلبان وجود دارد؟ از نظر شما در بعد استانی وضعیت اجماع اصولگرایان چگونه است؟

خدایار: به حول و قوه الهی در استان شاید از هر زمانی بهتر و بیشتر اجماع بین اصولگرایان تحقق عملی یافته و مجموعه گروه‌ها و تشکل‌های اصولگرا تفاهم و وحدت لازم را دارا هستند. حدود یک سال است که تشکیلات مربوط به اجماع اصولگرایان استان سازمان عملی پیدا کرده و به طور میانگین در هر دو هفته یک جلسه برگزار کرده است. اصولگرایان استان در این جلسات ضمن آسیب‌شناسی عملکرد گذشته، به تقویت و تعمیق ارتباط و همفکری و همپوشانی خویش اقدام نموده و علاوه بر آن در صدد ارتباط معقول با سایر گروه‌ها برای رشد و توسعه همه جانبه استان و بالا بردن ضریب منافع ملی و جلوگیری از سوء استفاده دشمن در این استان حساس بوده و هستند.

«توسن»: فعالیت‌های انتخاباتی -به خصوص مجلس- اصولگرایان در چه مرحله‌ای است؟ آیا وارد مصادیق شده‌اید؟

خدایار: با عنایت به پیچیدگی صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی مخصوصاً در این استان، اصولگرایان در این مقطع از زمان در حال بررسی و شناسایی افراد و گروههایی هستند که بنا دارند در انتخابات وارد شوند و اوضاع قابل پیش‌بینی برای هرگونه حضور یا عدم حضور افراد شاخص از جناح‌های مختلف را رصد کرده و احتمالات مختلف را تحلیل می‌کنند؛ اما هنوز وارد مصادیق نشده‌اند. بعضی از شهرهای استان نسخه‌های ویژه برای انتخابات لازم دارند و به طور کلی هدف وحدت و تفاهم اصولگرایان در انتخابات استان است و اگر لازم باشد اصولگرایان استان باید این آمادگی را در خود احساس کند که برای حفظ منافع کلان استان با سایر گروه‌ها تبادل نظر و همکاری کنند.

«توسن»: به نظر شما نمایندگان مجلس استان متعلق به کدام جناح خواهد بود؟ ارزیابی کلی شما از ترکیب سیاسی نمایندگان استان در مجلس آینده چگونه است؟

خدایار: ماهیت بعضی از نمایندگان استان استان در این جلسات ضمن آسیب‌شناسی عملکرد گذشته، به تقویت و تعمیق ارتباط و همفکری و همپوشانی خویش اقدام نموده و علاوه بر آن در صدد ارتباط معقول با سایر گروه‌ها برای رشد و توسعه همه جانبه استان و بالا بردن ضریب منافع ملی و جلوگیری از سوء استفاده دشمن در این استان حساس بوده و هستند.

«توسن»: فعالیت‌های انتخاباتی -به خصوص مجلس- اصولگرایان در چه مرحله‌ای است؟ آیا وارد مصادیق شده‌اید؟

خدایار: با عنایت به پیچیدگی صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی مخصوصاً در این استان، اصولگرایان در این مقطع از زمان در حال بررسی و شناسایی افراد و گروههایی هستند که بنا دارند در انتخابات وارد شوند و اوضاع قابل پیش‌بینی برای هرگونه حضور یا عدم حضور افراد شاخص از جناح‌های مختلف را رصد کرده و احتمالات مختلف را تحلیل می‌کنند؛ اما هنوز وارد مصادیق نشده‌اند. بعضی از شهرهای استان نسخه‌های ویژه برای انتخابات لازم دارند و به طور کلی هدف وحدت و تفاهم اصولگرایان در انتخابات استان است و اگر لازم باشد اصولگرایان استان باید این آمادگی را در خود احساس کند که برای حفظ منافع کلان استان با سایر گروه‌ها تبادل نظر و همکاری کنند.

«توسن»: به نظر شما نمایندگان مجلس استان متعلق به کدام جناح خواهد بود؟ ارزیابی کلی شما از ترکیب سیاسی نمایندگان استان در مجلس آینده چگونه است؟

خدایار: یک اصولگرا کاملاً خود را مکلف به تبعیت همه جانبه از منویات، فرمایشات و سفارشات رهبری می‌داند. از سوی دیگر خود را مقید و ملتزم به پایبندی عملی به قانون اساسی و قوانین جاری جمهوری اسلامی می‌داند و در عین حالی که خود را پیش مرگ ارزش‌های انقلاب اسلامی و منویات امام راحل دانسته؛ سعی دارد تا قبل از آنکه مطالبه حقوق فردی و حزبی داشته باشد مطالبه منافع ملی و منطقه‌ای را در اولویت قرار دهد. اصولگرایان استان معتقدند باید وحدت در مقاطع و مراتب مختلف از جمله وحدت سیستانی و بلوچ، وحدت بومی و غیربومی و وحدت اصولگرا و اصلاح طلب در حد اعلا ایفا شود تا با همیاری و همکاری یکدیگر ضمن تحقق عملی شعار اعمال، مشکلات این استان مخصوصاً ناامنی و بیکاری به حداقل برسد.

«توسن»: دغدغه امنیت برای مردم کارنامه بسیار جدی است. دولت تاکنون توانسته در این زمینه کارنامه موفقی ارایه دهد. علت چیست؟ آیا جریان اصولگرا جدای از برنامه دستگاه‌های امنیتی و راهبردهای حاکمیتی در سطح تاکتیکی برای تامین امنیت پایدار برنامه و راهبرد خاصی دارد؟ به صورت کلی نگاه اصولگرایان به مقوله امنیت چگونه است؟

خدایار: از نظر اصولگرایان موانع ایجاد امنیت پایدار در این استان عبارتند از: مشکل امنیت استان هنوز به عنوان یک مشکل ملی به طور جدی به باور مسئولان تصمیم‌ساز کشوری تبدیل نشده است و متاسفانه بعضی از مسئولین ارشد استانی نیز عوامل ناامنی را «خبره شرارت» نامیده‌اند. نهادهای مربوطه استراتژی و حتی تاکتیک واحدی برای برخورد و مقابله با مقوله ناامنی ندارند و بعضاً به صورت سلیقه‌ای و جزیره‌ای عمل می‌کنند و به طور کلی وحدت نظر در میان مجموعه نهادها و دستگاه‌های سیاسی، انظامی و امنیتی به طور کامل و جامع وجود ندارد.

تاکنون از سرمایه و نیروهای مادی و معنی استان که دلسوزی و محرمیت آنها در طول پیروزی انقلاب و مسئله دفاع مقدس ثابت شده؛ به نحو شایسته استفاده نشده و نمی‌شود. به تعبیر دیگر از ظرفیت مردمی مورد اعتماد در دفاع از مرزها بهره‌برداری نشده و بعضاً کسانی در این زمینه به کار گرفته شده‌اند که عملکرد آنها در عمل مورد تائید نبوده و جواب مثبت نداده است.

در حوزه سیاسی و کشورهای همسایه به نظر می‌رسد از همه توان و ظرفیت استفاده نشده است. البته از آن جمله که موضوع بسیار تخصصی و پیچیده است؛ احتمال می‌رود موانع دیگری نیز وجود داشته باشد و از آن جهت که موضوعات طبقه‌بندی است قابل ذکر نباشد؛ اما نکته‌ای که نمی‌توان از آن گذشت این است که تفکر تکفیری و افراطی به نحوی در بخش‌هایی از استان نفوذ کرده که توانسته به صورت عملکرد دوگانه و رفتارهای غیرشفاف و مبهم، مسئولان ذیربط را به انحراف و اشتباه وا دارد.

«توسن»: کارنامه اقتصادی دولت در استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خدایار: بسیاری از کارشناسان معتقدند که ریشه خیلی از مشکلات استان عدم توسعه اقتصادی است. از جهاتی این نظر مورد تایید است؛ هر چند که به نظر بنده خود این مشکلات اقتصادی ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی دارد؛ اما به دلیل عقب‌ماندگی اقتصادی و فاصله بسیار استان در زمینه شاخص‌های اقتصادی با میانگین کشوری، با این بودجه و برنامه‌های عادی این عقب‌افتادگی قابل جبران نیست. لذا ضرورت دارد این مشکل با بودجه‌ها، برنامه‌ها و اقدامات جهادی و انقلابی و حضور مدیران توانمندی که دیدگاه و رویکرد تخصصی اقتصادی برخوردار باشند؛ مرتفع گردد اما متاسفانه هم در بعد مدیریتی، بعد بودجه و بعد برنامه و هم در بخش اجرایی نظام نتوانسته مشکلات اقتصادی این استان را برطرف کند. به طور مثال در حالی که اکثریت استان‌های کشور در بخش زیربناهای حمل و نقل، سوخت و صادرات و واردات از امکانات قابل توجهی برخوردار هستند؛ ولی در این استان بهره‌های حداقلی هم در این زمینه‌ها وجود ندارد.

«توسن»: علت کندی دولت در دیپلماسی دریافت حق‌آبه از افغانستان در چیست؟ علت عدم موفقیت دولت در فشار به پاکستان برای مقابله با تروریست‌ها در خاک این کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خدایار: به نظر بنده علت این امر آن است که اولویت این مسائل هم از جهت حق‌آبه و هم از جهت امنیت مرزی برای مدیران استانی و کشوری به یک باور جدی تبدیل نشده و در حد اعلای توان در این زمینه وقت گذاشته نشده و پیگری‌های لازم صورت نگرفته است و از سوی دیگر مردم این استان نیز به نظر بنده مطالبه و جدیت لازم را برای عملی ساختن درخواست‌ها و حقوق خود نداشته و برای این که مشکلی برای نظام ایجاد نشود سعی کرده‌اند به حد معمول و درخواست‌های مکاتبه‌ای و شفاهی بسنده کنند و همچنین از سوی دیگر نمایندگان مردم در مجلس نیز جز افراد معدودی این مطلب را به طور جدی مورد مطالعه و پیگیری قرار نداده‌اند.

«توسن»: کارشناسان معتقدند برخی دولتمردان در فهم مسائل امنیتی استان دچار محاسبات غلط استراتژیک هستند؟ برخی ارزیابی‌ها نیز نگاه سیاست‌زده برخی دولتمردان به مقوله امنیت استان را تایید می‌کند. تحلیل شما در این زمینه چگونه است؟

خدایار: همانطور که قبلاً نیز عرض شد؛ بعضی از مدیران ارشد استانی تخصص لازم و در پی آن استیاط درستی از مقوله امنیت ندارند و دیدگاه‌های آنها صرفاً حزبی و سیاسی کاری است. بر همین اساس راه حل‌ها و عملکرد آنها نیز ناقص و ابتدایی است. به نظر بنده مدیریت ارشد استان باید انسانی جامع‌الاطراف و در بردارنده تفکری ترکیبی از سیاست، امنیت، اقتصاد و فرهنگ باشد و متناسب با شرایط سیستان و بلوچستان که بحرانی‌ترین استان کشور به حساب می‌آید؛ قوی‌ترین مدیر نسبت به سایر استان‌ها باشد.

«توسن»: برنامه اصولگرایان برای پیگیری مطالبات قومی و مذهبی در استان چیست؟ اصولگریان به مسئله قومیت و مذهب در استان چگونه نگاه می‌کنند؟

خدایار: اصولگرایان واقعیت تفاوت‌های قومی و مذهبی را در استان انکار نمی‌کنند؛ اما معتقدند که گسترش و تشدید دیدگاههایی که صرفاً مطالبات را قومی و مذهبی پیگیری کند خطرناک و مانع توسعه می‌دانند. اصولگرایان در عین حال که به وحدت میان اقوم و مذاهب مختلف این استان معتقدند؛ خواهان احقاق حقوق قومی و مذهبی در حد معقول و قانونی هستند به نحوی که متهم به ناسیونالیستی نشوند و در عین حال آنهایی که اصولگرایان را متهم به قوم‌گرایی می‌کنند؛ خودشان در حد قوم‌گرایی اعمال نکنند. ما معتقدیم که حق مسلم قومیت‌های سیستانی و بلوچستانی است که سیستانی‌ها و مدیریت‌های این استان را بدست بگیرند و با عنایت به دلسوزی، تعهد، شایستگی و کارآمدی برادروار با سایر نیروهای مانندگار در استان بتوانند مشکلات و موانع این استان را برطرف کنند و نسبت به کسانی که با تشدید و تعمیق شکاف‌های اختلافات و تفرقه انداختن بین اقوام و اصول این استان سعی دارند به منافع شخصی و حزبی خود برسند؛ آگاه باشند. همه مسئولان استان باید از توطئه‌های دشمنانی که تلاش دارند با شیعه هراسی، سنی هراسی، سیستانی هراسی، بلوچ هراسی و بومی هراسی اختلاف و تفرقه ایجاد کنند و ماهی خویش را از آب گل‌آلود بگیرند به شدت مبارزه کنند و در مجموع تحت نظارت و محوریت ولایت فقیه و قانون اساسی و منافع ملی به سمت وحدت، برادری و توسعه حرکت کنند و همین‌ها به خرج دهند تا دشمنان داخلی و خارجی و منافقان و فتنه‌گران را مایوس کنند.

ادامه

ادامه از صفحه ۳

... سیستان و دانشجویان رسیده بود جهت تجمع در مقابل کنسولگری افغانستان در زاهدان رهسپار این شهرستان می شوند. این تجمع که با هدف درخواست از مسئولان دولت تدبیر و امید و همچنین رییس جمهور افغانستان برای احیای تالاب هامون و حقآبه سیستان صورت گرفت از همان ساعات آغازین با شعار های «برادرم افغانم برادریم برادر»، «وزارت خارجه پیگیری پیگیری»، «برادر افغانی برادرت را دریاب »، «وزارت خارجه پیگیری پیگیری »، «حقابه سیستانی آزاد باید گردد»، «سر کنسول افغانی پیگیری پیگیری» همراه شد. در همین رابطه رضا میرشکار سخنگوی شورای تبیین مواضع بسیج دانشجوی دانشگاه زابل هدف از تجمع مطالبه‌گرانه دانشجویان در مقابل کنسولگری افغانستان را مباحث اجتماعی و بحث احیاء تالاب هامون و حقآبه بیان می کند و تاکید می کند این تجمع هیچ ارتباطی با مسائل سیاسی ندارد و می خواهد در این تجمع شرایط سخت مردم سیستان را به مسئولین افغانستان و ایران را یادآوری کند.

در این تجمع طوماری توسط شرکت کنندگان امضا می شود که در آن آمده است:

بسمه تعالی

یک لحظه از درخواست و مطالبه عدالت کوتاهی نکنید: این شان شماست. دانشجوی جوان مومن انقلابی شانش همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه این فکر هم با همه وجود خودم هستم و امروز بالحمدالله نظام است . البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرید؛ شما زرنگی تان این باشد که گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید. (حضرت امام خامنه ای دامه برکاته)

در ادامه این طومار آمده است: با توجه به حضور جناب آقای اشرف غنی رییس جمهور محترم افغانستان در کشور عزیزمان با دانشجویان و مردم شریف سیستان و بلوچستان بر خود وظیفه می دانیم که بر برادری و دوستی ملت شریف افغانستان تاکید کرده و ضمن بیانات این بزرگوار چند نکته را به شرح ذیل بیان می کنیم:

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اشرف غنی که بر باردری و همدلی دو کشور همزبان تاکید بسیار کردند ما هم بر خود وظیفه دیدیم که با حضور در کنسولگری افغانستان ضمن پیروی از فرمایشات مقام معظم رهبری بر مطالبه گری خود در مقابل حقابه خود بپردازیم .

در پایان این طومار آمده است: حقابه جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قرارداد ننگین رژیم منحوس پهلوی صورت گرفته که به آن هم اعتراض داریم باید توسط کشور افغانستان به طور کامل داده شود و این کوتاهی، مردم محروم سیستان را دچار خشکسالی کرده است. امید است که این سفر بانی این خیر و برکت باشد. اگرچه هدف این تجمع از قبل هدفی اجتماعی و دور از مسائل سیاسی عنوان شده بود ولی مسئولین استانی با آن مخالفت و مسئولین افغانی از دریافت طومار ممانعت کردند و در میان تجمع کنندگان حاضر نشدند البته مسئولین حفاظتی حاضر در تجمع عنوان کردند فردی به نیابت از وزارت خارجه جهت تحویل طومار حاضر خواهد شد که تاپایان مراسم این وعده محقق نشد و سرانجام این تجمع با اعلام اینکه طومار جهت تحویل به دفتر آیت ا... سیلمانی نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان ارسال می شود، خاتمه یافت.

پوریا طهرانی مقدم

ادامه

ادامه مطلب شوراها

... وی، عدم تحقق مدیریت واحد و یکپارچه شهری، مشخص نبودن جایگاه شوراها در برنامه های توسعه کشور، نظام برنامه ریزی و تخصیص بودجه و عدم تناسب اختیارات فعلی مدیریت شهری و شوراها با انتظارات مردم را سه چالش دیگر پیش روی شوراها اعلام کرد.

حسینی تاروبی همچنین میل به تمرکز در قوای کشور، موانع و محدودیت های سیاسی، دخالت ها و موازی کاری های متعدد در حوزه و اختیارات مدیریت شهری، بی توجهی برخی مسئولین و نمایندگان دولت برای حضور در جلسات شوراها، که اکثریت به صورت عرف در آمده است.

برخی چالش های شورا جدی است

با این همه، چالش های شورا ها به اینجا ختم نمی شود، یک عضو شورای اسلامی شهر قصرقند در آخرین جلسه شورای اسلامی سیستان و بلوچستان از مدیران سطوح پایینی وزارت کشور انتقاد کرده بود.

«عبدالسلام بلانشه» در انتقاد به بخشداران این چنین گفته بود: «اکثر بخشداران در فعالیت های اجرایی و و عملیاتی دهیاران و حتی در تصمیم گیری شوراهای اسلامی دخالت می کنند، گلایه مندی شوراهای اسلامی در این است که مهر و دسته چک دهیار و شورای اسلامی در کشوی میز بخشدار نگه داری می شود و عملا دهیار بر حسب دستور بخشدار کار می کند نه شورا.»

نقشه راه رهبری برای پیگیری حق آبه مردم سیستان

صفحه ۲

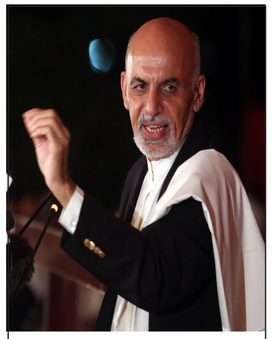

آیا از سفر اشرف غنی، آبی برای مردم سیستان گرم می‌شود؟

۳

سخنگوی اصولگرایان:

در میزان ولایت‌پذیری با اصلاح‌طلبان استان اختلاف داریم

۸

درس‌های یمن برای نخبگان شیعه و سنی استان

۱

صفحه ۲

وزارت خارجه چه خواهد کرد؟

صورت مسئله واقعی حق‌آبه سیستان چیست؟

برای این که بتوان راه حل مناسبی برای مشکل آب در سیستان ارائه کرد ابتدا باید به دقت مسئله آب در سیستان شناخته شود. کم آبی در سیستان دو مشکل اساسی ایجاد کرده است. مشکل اول ایجاد بیکاری برای مردم سیستان می باشد. عمده جمعیت سیستان کشاورز و یا دامدار بوده اند که با به وجود آمدن کم آبی اولین چیزی که از بین رفت شغل و کسب و کار آنها می باشد. مشکل دوم که کمتر از مشکل دوم نیست نامساعد شدن شرایط محیطی برای زیست در سیستان می باشد. از آنجایی که دریاچه های هامون در غرب و شمال دشت سیستان واقع شده بودند و بادهای سیستان عمدتا از سمت شمال و گاهی از سمت غرب می وزد این امر در سالهایی که دریاچه های هامون پر از آب بود باعث تعدیل دمای هوا می شد اما در حال حاضر که کف این دریاچه ها خشک می باشد این بادها از بستر خشک دریاچه ها که می گذرند دمایشان افزایش می یابد و علاوه بر آن شن های روان را هم از کف دریاچه برداشته و بر سر مردم می ریزند. با این حال بادهای سیستان که در سال های پرآبی یک نعمت بی بدیل برای سیستان محسوب می شد در سال های خشکسالی تبدیل به مایه رنج و عذاب مضاعف مردم سیستان تبدیل شده است و تنها راه حل مقابله با اثرات بد بادهای سیستان این است که لبان تشنه هامون سیراب شود.

در سال های اخیر یکی از راه حل هایی که برای کم کردن اثرات خشکسالی سیستان اندیشیده شده است بحث آب رسانی به زمین های زراعی سیستان با استفاده از لوله است. البته این طرح بسیار مفیدی است و می تواند تا حد زیادی مشکل اولی که در بالا به آن اشاره شد را از بین ببرد ولی مشکل دوم بر سر جای خود باقیست. راه حل مشکل دوم هم همانطور که اشاره شد سرازیر شدن آب به هامون ها می باشد.

در اینجا بحث بر سر مسئله سهمیه آب سیستان از هرمند پیش می آید و اینکه آیا افغانستان سهمیه آب سیستان را به درستی می دهد یا خیر؟

اگر به قرارداد آب هیرمند که بین ایران و افغانستان در سال ۱۳۵۲ منعقد شده است نگاهی بیاندازیم مشاهده می شود که این قرارداد بسیار به نفع طرف افغان بسته شده است. طبق این قرارداد آورده آب هیرمند برای ایران از طرف افغانستان تا حدود ۸۲۰ میلیون متر مکعب تضمین شده است که این مقدار برای سیستان که معیشت مردم آب وابسته به کشاورزی و دامداری اصلا کفاف نمی دهد و تنها می تواند یکی از دو مشکل ایجاد شده ناشی از کم آبی در سیستان را بر طرف کند و به عبارت ساده تر برای اینکه بتوان هر دو مشکل ایجاد شده را از بین برد به حداقل ۱.۵ تا ۲ میلیارد متر مکعب آب مورد نیاز است.

البته این مقدار بدون احتساب آب شرب تامینی زاهدان از این آبهاست که باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

به نظر می رسد برای رفع اساسی مشکل خشکسالی در سیستان علاوه بر طرح آبرسانی با استفاده از لوله باید یک تلاش دیپلماتیک طولانی مدت دائیه کاملا جدی برای بستن یک قرارداد جدید آبی با افغانستان شروع شود که البته قسمت سخت کار همین جاست ولی باید شروع این کار هر چه سریع تر اتفاق بیافتد.

مرتضی خسروی

درس‌های یمن برای نخبگان شیعه و سنی استان

سرویس سیاسی توسن: جنگ عربستان به یمن گرچه هفتمین جنگ در ده سال گذشته علیه یمن از طرف آل سعود محسوب می شود ولی شکست در این جنگ ابعاد استراتژیک تری به خود گرفته است. آل سعود از همان لحظه که این جنگ پایان جنگ حتی به صورت زبانی سخن گفتند- در حالیکه هنوز همه یمن را بمباران می کند- ، همه دیدیا آنها را شکست خورده این جنگ بزرگ لقب دادند. عربستان در این حمله، شکست مفتضحانه ای از انصار الله و ارتش و ملت یمن خورد و یمنی ها صلابت و قدرت خود برای درگیری و محافظت از تمامیت و تسلط بر کشورشان را عنوان کردند. این جنگ وجهه عربستان را به عنوان کشوری جنایت‌کار و متجاوز و خونریز و در عین حال ضعیف و ناتوان نشان داد.

نکته قابل توجه آنکه، امام خامنه‌ای چند روز پیش گفته بود «اگر آن‌ها [صهونیست‌ها] در غزه توانستند پیروزی کسب کنند، این عده [سعودی‌ها] نیز قادر به پیروزی خواهند شد. ایشان بر شکست قطعی عربستان در این حمله تأکید کردند و ابراز داشتند که یتنی سعودی‌ها قطعاً به خاک مالیده خواهند شد.

«اهداف اعلام شده عربستان سعودی از تجاوز به یمن

۱-عقب راندن حوثی ها از صنعا و سایر شهرهای یمن و خلع سلاح های سنگین و متوسط از آنها بدون قید و شرط.

۲-بازگشت منصور هادی رئیس جمهور فراری یمن و دولت وی به یمن صنعا و ادامه فعالیت‌های او.

۳- بازگشت به قدرت و اجرای آن از تحت نظارت دولت منصور هادی.

۴-لغو تمامی انتصابات انجام شده از سوی انصار الله.

این ها اهداف اعلام شده از روی اعتقاد به تجاوز طلبی سعودی آمریکایی به یمن بود، کدام یک از این اهداف محقق شد؟ مشروعیتی که عربستان ادعای بازگشت آن به یمن را داشت، کجاست؟ رئیس جمهور مستعفی و فراری یمن کجاست؟ آیا حوثی ها به صعده بازگشتند؟

«۲۵ نتیجه شکست آل سعود در جنگ یمن

رسوایی رژیم آل سعود در جنگ یمن خسارت‌های مصیبت‌باری برای این کشور خواهد داشت که یک پایگاه خبری لبنانی به ۲۵ مورد آن اشاره کرده است.

پایگاه خبری جنوب لبنان در مقاله‌ای ۲۵ نتیجه شکست حمله رژیم آل سعود به یمن و اعلام توقف آن را برشمرد:

۱- فروپاشی ائتلاف کارتونی پس از آغاز جنگ بعد از عقب نشینی ترکیه و پاکستان و سران مصر.

۲- افزایش اختلافات عربستان سعودی با امارات در نحوه اداره جنگ و سناریوهای نهایی آن.

۳- عقب‌نشینی تاکتیکی قطر در هفته اول و عدم وجود نقش این کشور قبل از پایان جنگ.

۴- عدم قدرت عربستان سعودی برای ترور هر یک از مقامات سیاسی یا نظامی جنبش انصار الله یا ارتش یمن .

۵- عربستان بستری مناسب از نفرت و انتفاجوییی ملت یمن و سایر ملت‌های منطقه بر ضد خود ایجاد کرده.

۶- تسلط کامل انصار الله و ارتش یمن و نیروهای هوادار آن بر تمامی اراضی یمن.

۷- تغییر دیدگاه‌های بیشتر مردم یمن به نفع حوثی ها و دشمنی آن ها هر دو علیه سعودی و ابزارهای آن.

۸- شکست کامل عربستان سعودی در آغاز جنگ زمینی یا تجاوز به یمن یا انجام هر پیشروی زمینی و نظامی قابل توجه در این جنگ.

۹- شکست عربستان سعودی در بازگرداندن عبد ربه منصور هادی به حاکمیت در یمن.

۱۰- افزایش اختلافات در خاندان آل سعود و عدم حضور طرف‌های اساسی آل سعود به علت غیر حساب شده بودن نتیجه این جنگ.

۱۱- توسعه نفوذ حوثی ها و تسلط آن‌ها بر تمامی مؤسسات دولتی و ارکان کشور و از بین رفتن اندک حامیان منصور هادی.

۱۲- تسلط حوثی ها بر تنگه راهبردی باب المندب و قرار دادن آن تحت مدیریت کامل خود.

۱۳- حوثی ها به عنوان طرف اساسی در هر سازش سیاسی یا گفتگوها یا پروژه‌ای برای اداره یمن به حساب خواهند آمد.

۱۴- اعلام جنگ از طریق عادل الجبیر سفیر عربستان سعودی در واشنگتن صورت گرفت، اما اعلام آتش بس صبح سه شنبه از طریق حسین امیر عبداللهیان معاون وزیر خارجه ایران از تهران اعلام شد.

۱۵- سفیر عربستان سعودی در آمریکا ۲۴ ساعت قبل از توقف حملات اعلام کرده بود که این جنگ هرگز جز در سایه متوقف شدن حوثی ها در حد و اندازه خود متوقف نخواهد شد، اما ساعاتی بعد این جنگ متوقف شد. این نشان می‌داد که تصمیم به توقف جنگ یک تصمیم سعودی نبود

۱۶- ترید در صدور پادشاهی برای دعوت از گاوه مالی جهت پیوستن به درگیری‌ها که در نتیجه دو مشارکت در حمله زمینی از سوی ارتش‌های تمامی کشورهای مشارکت کننده در ائتلاف صورت گرفته بود. تنها ساعاتی پس از این تردید بود که بیانیه توقف جنگ صادر شد.

۱۷- تکلیف حل و فصل آینده تحولات یمن را حوثی ها تعیین می کنند و آن‌ها هستند که شاخص‌های روند سیاسی را به صورت دقیق مشخص خواهند کرد و عربستان سعودی باید به این موضوع تن دهند.

۱۸- در یمن ائتلافی استراتژیک متشکل از طرف‌های با نفوذ این کشور تشکیل شده که می‌تواند آن را بدون نفوذ عربستان سعودی مدیریت کند.

۱۹- تجاوز به یمن مقدمه پیگرد حقوقی و بین‌المللی رژیم آل سعود و حاکمان آن را تا حد زیادی فراهم کرد و این موضوع تهدیدی واضح برای سرکردگان عربستان سعودی شامل ۳ نسل پیر و فرتوت و جوانان است که مدیریت جنگ را بر عهده داشتند.

۲۰- تجاوز به یمن، عربستان سعودی را پیش از پیش منزوی کرد و این کشور را از اولویت خصمه اسلامی و عربی و حوزه خلیج فارس کنار گذاشت، تا جایی که این کشور دیگر عمق استراتژیک مسلمانان و عرب‌ها و حتی کشورهای حاشیه خلیج بشمار نمی رود، چرا که سردمدار جنگ طلبی و خونریزی و کشتار است.

۲۱- حاکمان عربستان سعودی بعد از این در معرض بحران های سیاسی و نظامی بیشتر قرار خواهند داشت و موقعیت آن ها شبیه موقعیت صدام حسین بعد از جنگ های متعدد بر ضد همسایگانش خواهد شد.

۲۲- همینه و نفوذ عربستان سعودی به شکل گسترده‌ای فروکش می کند تا جایی که بعد از این شکست روحی و سیاسی، تغییر وجهه عربستان حتی در نزد دوستانش نیز ممکن نخواهد بود.

۲۳- عربستان سعودی پس از این دیگر قادر به تسلیم کردن هیچ کس نیست و نمی تواند هیچ کشور عربی و اسلامی را در پروژه‌های ویرانگر خود وارد کند.

۲۴- عربستان سعودی مجبور خواهد بود صدها میلیارد دلار از اموال خود را برای بازسازی یمن صرف کند تا شاید اندکی از خشم یمنی بر ضد خود بکاهد.

۲۵- شکست سیاسی عربستان سعودی قدرتی برای تمامی رقبای این کشور به شمار می رود و توان آن ها برای اداره منطقه و حاکم بودن بر سرنوشت آن را افزایش می دهد.

درس های که نخبگان ایران باید از جنگ یمن یاد بگیرند.

ادامه در صفحه ۲

توسن هفتگی
هفتگی فرهنگی اجتماعی، سیاسی، منطقه جنوب شرق کشور

دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، سال دهم، شماره ۲۱۴ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان - توزیع در استان های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان جنوبی

بسیجیان بلوچ، نماد وحدت

صفحه ۳

انتقاد شورا از شورا

صفحه ۲

نیم‌های هفته

حرمین شریفین باید از لوث وجود جنایت‌کاران سعودی پاک شود

صفحه ۵

درخواست امان‌نامه نفر دوم جیش العدل از ایران